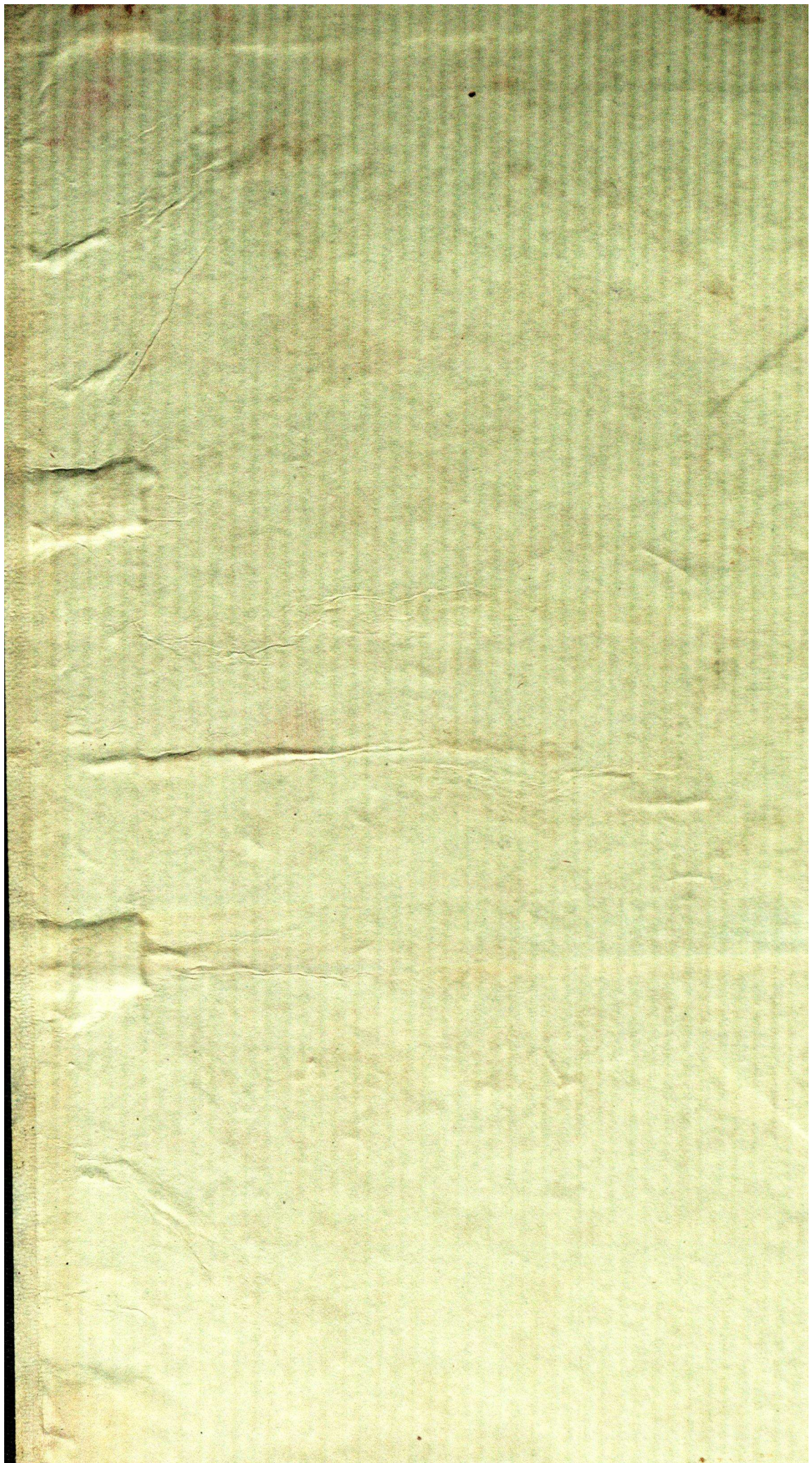




۲
مطام الدین اولیٰ بحکم مولانا فخر الدین نوشته است
این محراب طریقت را باب حقیقت که اسم مطلوب و اعظم
ضمیم است از مکتب شمس محبت رب العالمین است
این برود نوع است محبت ذات و محبت صفات محبت
است از مواهب است و محبت صفات از نکاح پس
رجح از مواهب است کسب و عمل بنده را بدان تعلقی نیست
و رجح از نکاح است طریق التماس از خواهم ذکر همه
تخلیه چهار سوره است و این را فرائض شریعت است

قال الله تعالى

ولا أولياء الله لا خوف عليهم ولا هم يحزنون هـ

ربِّهِ بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ ^{سُبْحَانَكَ يَا مَنْ لَا يَمُوتُ وَلَا يَمُوتُ}

الحمد لله الجواد بافضل انواع النعماء المنان باشرف اصناف
لعطا المحمود في اعالي ذومي العلم والكبرياء المعبود باحسن
عبادات في اعماق الارض واطباق السماء ذوي العظمة و
الجبروت والبهائم والجلالة والممكنون والشهداء الذي
فاجتنب بانوار المجد والقدس والثناء عن عين الناظرين
ابصار البصائر وذا فاقرب من بصائر المحترفين في وسع
النساء وربط طرف بقاء الله مستغنين في الحج بكار توحيد بقاء
نملط مشرف فناء المتعلقين في ممر قربة البهائم بمحض البقاء
اغناهم بعزة الفقر اليه عن ذل الوجود الى الاشياء واولاد
التوفيق للمحمد علي في خزانة الالاء واغناهم ببقاء البقاء
والبقاء عن الفناء فصاروا بنور فناء البقاء مخلصين عن هوان



922.97
A881

نقطه
بعد غاسق و ما او مضی باری هدایت من بحجاب عنایت و با
من بکلمه عشق تفضل قدم شوق فی بادیه ذوق و سلم تسلیم کثیر الشکر
سخن چون از قرآن و حدیث کرسی سچ سخن بالای سخن میسازد نیست بر جسم
که سخن اینان نتیجه کار و حال است نه نمره حفظ و قال و از عیانست نه از بیان
و از اسرارست نه از تکرار و از علم لدنی است نه از علم کسبی و از جوشیدن حبست
نه از کوشیدن و از عالم ادبی ربی است نه از جهان علمی ابی ایشان و رفته
انسیا اند صدوات الله علیهم و جماعتی را از دوستان ما رغبتی تمام میدیم
بسخن این قوم و مرا نیز میلی عظیم بود اگر همه جمع میکردم دراز میشد التفاطی
بر برای خویش و از برای دوستان و اگر تو نیز ازین پرده برای برای تو
بسی سخن ایشان زیادت تر ازین خواهد در کتاب متقدمان و متاخران
که بسیار یافته شود از اینجا طلب کند و اگر طالبی شرح این کلمات این
طلب کند در کتاب شرح القلب و کتاب کشف الاسرار
رقه النفس و الرب زیر و زبر آید و بدان معانی محیط شود مگر این
را معلوم کرد گمان با آن است که هیچ سخن این طایفه الا ما است از الله
بدانند لایحی شرح این کلمات و آدمی نه را کا قدر آیدی اما طریقت
عصار سیر در اینست است کما فی رسول الله صلی الله علیه و سلم
ادبیت جوامع الکلم و اختصر فی الکلام اختصار کردم و آنچه نباید بفرستادم و سخن
بود که در یک کتاب نقل از شیخ بود و در کتابی دیگر نقل از شیخ دیگر بخلاف